خبر

گفت‌وگوی مفصل پزشکیان و شهباز شریف

نخست وزیر پاکستان در گفت وگوی تلفنی با رئیس جمهوری اسلامی ایران ضمن محکومیت شدید حملات اخیر متجاوزان به زیرساخت‌های غیرنظامی ایران، آخرین تحولات منطقه‌ای را مورد بررسی قرار دادند.

به گزارش ایرنا در بیانیه دفتر نخست وزیری پاکستان آمده است: در طول گفت‌وگوی مفصل آنها که بیش از یک ساعت طول کشید، سران دو کشور در مورد خصومت‌های جاری در منطقه و تلاش‌های صلح بحث‌های گسترده‌ای انجام دادند.

شهباز شریف، رئیس جمهوری ایران را از تلاش‌های دیپلماتیک در حال انجام توسط خود، معاون نخست وزیر و همچنین فیلد مارشال سید عاصم منیر فرمانده ارتش پاکستان برای جلب مشارکت ایالات متحده، کشورهای خلیج فارس و کشورهای اسلامی به منظور ایجاد محیطی مساعد برای مذاکرات صلح، مطلع کرد.

شهباز شریف در ادامه رئیس جمهوری ایران را در جریان حمایت قوی از ابتکار صلح پاکستان قرار داد و ابراز امیدواری کرد که بتوان به طور جمعی راهی عملی برای پایان دادن به خصومت‌ها یافت.

رئیس جمهوری ایران ضمن قدردانی از تلاش‌های دیپلماتیک صادقانه نخست وزیر، دیدگاه خود را در مورد خصومت‌های جاری اسرائیل علیه ایران به اشتراک گذاشت. وی بر لزوم ایجاد اعتماد به منظور تسهیل مذاکرات و میانجیگری تأکید کرد.

در این راستا، مسعود پزشکیان از نخست وزیر پاکستان به خاطر نقش حمایتی این کشور برای صلح تقدیر کرد.

نخست وزیر پاکستان به رئیس جمهوری ایران اطمینان داد که اسلام‌آباد به ایفای نقش سازنده خود برای ایجاد صلح و ثبات در منطقه ادامه خواهد داد.

بعد از تنگه هرمز، تنگه باب‌المندب هم بسته خواهد شد؟

یمن، جبهه جدید علیه دشمن متجاوز

گزارش

گروه سیاسی

یک ماه از آغاز جنگ تجاوزکارانه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد و حالا تحولات میدانی به تدریج وارد مرحله‌ای پیچیده‌تر شده است. طبق وعده صادق رهبر شهید انقلاب و همان طور که از ابتدای جنگ نیز پیش‌بینی می‌شد، این جنگ صرفاً محدود به مرزهای ایران باقی نمانده و با توجه به ماهیت شبکه‌ای محور مقاومت، دامنه آن به دیگر بازیگران منطقه‌ای نیز کشیده شده است. در همین چهارچوب، ورود مستقیم انصارالله یمن به این جنگ را باید یکی از مهم‌ترین نقاط عطف در روند جنگ دانست. اتفاقی که به زعم کارشناسان و تحلیلگران، عواقب مهمی علیه دشمن آمریکایی-صهیونیستی خواهد داشت.

در همین راستا، صبح روز گذشته یحیی سریع، سخنگوی نیروهای مسلح یمن از اجرای نخستین عملیات نظامی این کشور در حمایت از ایران و نیز محور مقاومت در لبنان، عراق و فلسطین خبر داد. به گفته وی، این عملیات با استفاده از موشک‌های بالستیک انجام شده و اهدافی حساس و راهبردی در جنوب سرزمین‌های اشغالی را مورد هدف قرار داده است. سریع تأکید کرد که این حمله با موفقیت به اهداف از پیش تعیین شده دست یافته و این تنها آغاز مسیر است. او همچنین تصریح کرد که عملیات نیروهای یمنی تا زمانی که «تجاوزها در تمامی جبهه‌ها متوقف نشود» ادامه خواهد داشت. عبارتی که به وضوح نشان دهنده عزم جدی صنعا برای حضور فعال و مستمر در این نبرد است.

اما ورود علنی و مستقیم انصارالله یمن به میدان نبرد، سناریوهای جدیدی در ارتباط با جنگ را پیش روی تحلیلگران قرار داده است. مهم‌ترین این سناریوها، احتمال استفاده از اهرم‌های ژئوپلتیک توسط یمن برای اعمال فشار بیشتر بر دشمن است. در این میان، تنگه باب‌المندب به عنوان یکی از حیاتی‌ترین گذرگاه‌های دریایی جهان، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. این تنگه که دریای سرخ را به خلیج عدن و سپس به اقیانوس هند متصل می‌کند، نقشی کلیدی در تجارت جهانی به ویژه انتقال انرژی و کالا میان آسیا و اروپا دارد. به همین دلیل، هرگونه تهدید برای بسته شدن این مسیر می‌تواند پیامدهای گسترده اقتصادی و امنیتی در سطح بین‌المللی به همراه داشته باشد.

در همین راستا، محمد منصور، معاون وزیر اطلاع‌رسانی یمن نیز اعلام کرده است که مدیریت این نبرد به صورت تدریجی و مرحله‌بندی شده انجام خواهد شد و بستن تنگه باب‌المندب یکی از گزینه‌های جدی در دستور کار صنعا برای مقابله با رژیم صهیونیستی و حامیان آن است.

با همه اینها، ورود یمن به جنگ علیه دشمن آمریکایی-صهیونیستی را باید در چهارچوب همان وعده‌ای تحلیل کرد که پیش‌تر از سوی حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی مطرح شده بود. اینکه در صورت لزوم، جبهه‌های جدیدی علیه دشمن گشوده خواهد شد. اکنون با گذشت یک ماه از آغاز جنگ تجاوزکارانه دشمن علیه کشورمان، این وعده در حال تحقق عینی است. پیش از این، حزب‌الله لبنان و گروه‌های مقاومت در عراق نیز به اشکال مختلف وارد میدان شده بودند و حالا با پیوستن انصارالله یمن، یک جبهه جدید و مهم دیگر به این معادله افزوده شده است.

اما این گسترش جبهه‌ها، عملاً موجب پراکندگی توان و تمرکز دشمن شده و هزینه‌های عملیاتی و راهبردی آن را به شدت افزایش خواهد داد. در واقع، اگر پیش‌تر تمرکز اصلی بر یک یا دو جبهه ایران و حزب‌الله لبنان محدود بود، آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها اکنون با یک جنگ چندجبهه‌ای مواجه هستند که از سواحل مدیترانه تا دریای سرخ و خلیج فارس امتداد یافته است.

اما اهمیت ورود انصارالله یمن از نظر ژئوپلتیکی دارای پیامدهای عمیق‌تری است. در طول یک ماه گذشته، تنگه هرمز به عنوان مهم‌ترین آبراه انتقال انرژی در جهان، عملاً تحت کنترل کامل ایران قرار داشته است.

در چنین شرایطی، اضافه شدن تهدیدی دیگر در قالب احتمال بسته شدن تنگه باب‌المندب، می‌تواند وضعیت را برای آمریکا و غربی‌ها به مراتب بحرانی‌تر کند. در واقع، اگر تنگه هرمز در شرق شبه جزیره عربستان و باب‌المندب در غرب آن به طور همزمان بسته شوند، عملاً دو شریان حیاتی تجارت جهانی تحت کنترل محور مقاومت قرار خواهند گرفت.

به همین دلیل می‌توان گفت که انصارالله با ورود خود به جنگ، یک اهرم فشار مضاعف را علیه دشمن فعال کرده است. چه آن‌که رسانه روسی اسپوتنیک نیز تأکید کرده که «باب‌المندب برگ برنده ایران است که می‌تواند این تنگه راهبردی را برای آمریکا و اسرائیل به «تنگه اشک‌ها» تبدیل کند.»

> ورود یمن به جنگ علیه دشمن آمریکایی-صهیونیستی را باید در چهارچوب همان وعده‌ای تحلیل کرد که پیش‌تر از سوی حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی مطرح شده بود. اینکه در صورت لزوم، جبهه‌های جدیدی علیه دشمن گشوده خواهد شد

فصل تازه در قدرت‌نمایی جبهه مقاومت

یادداشت

اسماعیل کوثری

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی

در سال‌های اخیر، تحولات منطقه‌ای به‌ویژه پس از عملیات «طوفان الاقصی» وارد مرحله‌ای تازه شده است؛ مرحله‌ای که در آن جبهه مقاومت بیش از گذشته به شکل منسجم و هماهنگ در برابر جریان‌های استکباری و صهیونیستی ظاهر شده است. اگرچه پیش از این نیز گروه‌ها و جریان‌های مختلف مقاومت در میدان‌های گوناگون حضور داشتند و در مقاطع مختلف توان عملیاتی خود را نشان داده بودند، اما پس از این عملیات، نوعی اعلام موجودیت رسمی‌تر و آشکارتر از سوی این مجموعه شکل گرفت.

در گذشته، برخی از این نیروها در مواجهه با تهدیدهایی مانند داعش توان و ظرفیت خود را در عمل نشان داده بودند، اما تحولات پس از طوفان الاقصی باعث شد که این جریان‌ها بیش از پیش در قالب یک جبهه هماهنگ و هم‌افزا دیده شوند. در این میان، گروه‌هایی مانند حماس و جهاد اسلامی فلسطین، حزب‌الله لبنان، حشدالشعبی عراق و انصارالله یمن هریک در چهارچوب ظرفیت‌ها و شرایط خود در این روند نقش‌آفرینی کردند و به مرور زمان نوعی همگرایی عملی میان آنها شکل گرفت.

در این دوره، هریک از این بازیگران تصمیمات خود را به‌طور مستقل اتخاذ کردند، اما در عین حال نوعی هماهنگی کلی میان آنها قابل مشاهده بود. این وضعیت باعث شد که اقدامات نظامی و سیاسی آنها در کنار یکدیگر معنا پیدا کند. در برخی مقاطع نیز آتش‌بس‌هایی برقرار شد، اما در عین حال بسیاری از این گروه‌ها با صراحت بر مواضع خود تأکید و اعلام می‌کردند در صورت تعرض به هریک از اعضای جبهه مقاومت، واکنش مشترک و متقابل نشان خواهند داد.

به عنوان نمونه، در مقطعی بحث خلع سلاح حزب‌الله مطرح شد، اما این موضوع با ایستادگی و مخالفت روبه‌رو شد. در مورد انصارالله یمن نیز با وجود برخی توافق‌ها و آتش‌بس‌ها، این موضع به‌روشنی اعلام شد که اگر علیه یکی از اعضای جبهه مقاومت اقدامی صورت گیرد، آنها نیز وارد میدان خواهند شد. این رویکرد نشان می‌دهد که مفهوم «جبهه مقاومت» بیش از آنکه صرفاً یک عنوان سیاسی باشد، به‌تدریج به نوعی شبکه هماهنگ از بازیگران منطقه‌ای تبدیل شده است.

در این میان، نقش ایران نیز به‌عنوان یکی از محورهای اصلی این جریان مورد اشاره قرار می‌گیرد. هرچند هریک از گروه‌ها تصمیمات خود را بر اساس شرایط داخلی و منطقه‌ای اتخاذ می‌کنند، اما در مجموع نوعی همسویی راهبردی میان آنها شکل گرفته است. براساس این نگاه، گسترش دامنه درگیری‌ها و تحولات منطقه‌ای نیز تا حدی در چهارچوب همین همگرایی قابل تحلیل است.

اینک انصارالله یمن، در میانه جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، عملاً پا به میدان نهاده‌اند. آنها با تشخیص بموقع و نقشی راهبردی، تصمیم گرفته‌اند برای پشتیبانی از جبهه مقاومت، به‌ویژه ایران، با تمام توان وارد عمل شوند. این همان پیش‌بینی دقیق امام خامنه‌ای بود که گسترش میدان نبرد را اجتناب‌ناپذیر می‌دانستند. امروز، این پیش‌بینی به تحقق پیوسته است. انصارالله یمن با ورود رسمی خود، پیام روشنی به آمریکا و رژیم صهیونیستی فرستاده‌اند: اینکه جبهه مقاومت اکنون با بازوی تازه‌ای از موشک و پهپاد، ضرباتی سنگین‌تر و پیاپی بر پیکره دشمن وارد خواهد کرد. این اتحاد و حضور نو، افزون بر بازدارندگی، توان عملیاتی و نظامی جبهه را به سطح بی‌سابقه‌ای ارتقا داده، مضاف بر اینکه حالا گزینه بستن تنگه باب‌المندب هم در میان است و این یعنی تأثیرات مخرب امنیتی و اقتصادی جنگ برای متجاوزان و حامیان بیش از پیش خواهد شد. از امروز، جبهه مقاومت با توانی مضاعف و عزمی راسخ، وارد فاز تازه‌ای از نبرد شده است. آنچنان که سبب شده برخی ناظران منطقه‌ای از مرحله تازه‌ای در معادلات قدرت در غرب آسیا سخن بگویند. خدا را شاکریم که این وحدت و هماهنگی، وعده پیروزی نهایی را بیش از پیش نزدیک کرده است. به امید روزی که با یاری خدا، میدان نبرد به سود جبهه حق و محور مقاومت، به سرانجامی افتخارآمیز برسد.

دیپلماسی

مظلومیت دانش‌آموزان شهید مدرسه شجره طیبه در جهان طنین انداز شده است

کشتار مدرسه میناب و پذیرش صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی

یادداشت

محمدهادی ذاکرحسین

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

حالا دیگر صدای کودکان دانش‌آموز «مدرسه شجره طیبه میناب» در سالن جلسات «کاخ ملل» - مقر سازمان ملل متحد در ژنو - هم طنین‌انداز و شنیده شده است. حمله موشکی ایالات متحده آمریکا در روز نخست و همان ساعات آغازین تجاوز غیرقانونی ائتلاف آمریکایی-اسرائیلی به تمامیت سرزمینی ایران که به کشتار دسته جمعی دانش‌آموزان کودک در شهرستان میناب انجامید، بر اساس داده‌ها و اسناد متقن ارزیابی شده از سوی رسانه‌ها - از جمله گاردین و نیویورک تایمز- و سازمان‌های مدنی معتبر بین‌المللی - مانند دیده‌بان حقوق بشر و عفو بین‌الملل - هدایت آگاهانه و قاصدانه یک حمله نظامی کشنده به غیرنظامیان و مکان غیرنظامی اختصاص یافته به آموزش و در نتیجه نقض فاحش قوانین و مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی و یک جنایت جنگی آشکار بوده است که با هیچ بهانه و عذری مانند اشتباه و عدم اطلاع از مدرسه بودن آن هدف قابل توجیه و سفیدشویی نیست. این کشتار گسترده در یک زمان و مکان کوتاه و کوچک آن هم با شلیک بیش از یک موشک که حکایتگر عمدی بودن این جنایت است، یک برگ سیاه و البته بی‌سابقه در کتاب تاریخ جنایات بین‌المللی در جنگ‌های معاصر است.

«تعهد به وسیله»

وقوع این جنایت غیرقابل تصور و ددمنشانه که قربانیان و بازماندگان پرشماری برجای گذاشته است، دولت جمهوری اسلامی ایران را متعهد به استیفای حقوق قربانیان مدرسه میناب می‌سازد. قربانیان این جنایت مانند قربانیان هر جنگ و جنایات جنگی دیگر از سه حق بنیادین حقیقت، عدالت و جبران خسارت برخوردار هستند. در استیفای این حقوق نیز تعهد دولت ایران از جنس «تعهد به وسیله» است، بدان معنا که دولت باید از تمام ظرفیت‌ها و امکانات موجود و در دسترس بهره گیری حداکثری کند تا حقوق قربانیان مینابی تا حدامکان برآورده شود. این ظرفیت‌ها و فرصت‌ها نیز تنها محدود به امکانات و سازوکارهای ملی و داخلی نیست، بلکه در تکمیل آن‌ها باید از تمام ظرفیت‌های در دسترس بین‌المللی نیز استفاده کرد، به خصوص آنکه این جنایت در بستر یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی رخ داده است و باید دادخواهی و حقیقت‌یابی نسبت به آن در سطح فراملی نیز دنبال شود تا این جنایت بر جریده تاریخ جهان و در برابر دیدگان جهانیان ثبت و ضبط شود.

تاکنون و در راستای حقیقت‌یابی و کشف و ثبت حقیقت و جلوگیری از روایت سازی‌های مجعول دشمن متجاوز و جنایتکار برای انکار و تحریف واقعیت و متعاقب موضع شایسته برخی مقامات و کارشناسان و گزارشگران شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، دولت ایران - هرچند با تأخیر - اقدام به برگزاری یک نشست اضطراری در شورای حقوق بشر ملل متحد در ژنو کرد که محلی برای محکوم کردن حمله به اماکن آموزشی از جمله مدرسه میناب از سوی بسیاری از دولت‌ها - البته با شدت و ضعف در موضع گیری - شد. در کنار آن، برخی دولت‌ها مانند آلمان با نوعی بهانه‌جویی نیز بر ضرورت حقیقت‌یابی و تحقیقات بیشتر برای کشف واقع امر تأکید کردند.

دو گام ضروری

اکنون دولت ایران متعهد و ملزم است تا این گام اولیه را با برداشتن حداقل دو گام دیگر تکمیل و دنبال کند؛ اول ایجاد یک هیأت حقیقت‌یاب بین‌المللی و یا ملی با مشارکت چهره‌های جهانی و فراهم کردن دسترسی ایشان به محل وقوع جرم و جنایت و دعوت از این هیأت و کمیته برای بازدید میدانی از مدرسه میناب با هدف حقیقت‌یابی و تحقیقات حقوقی بیشتر و ارائه گزارش و یافته‌های خود به جامعه جهانی تا جنایت جنگی بودن این رفتار آشکار شود و در نتیجه فشار بیشتری بر ایالات متحده آمریکا برای پذیرش مسئولیت در قبال این رفتار مجرمانه وارد گردد. در واقع باید مراقبت کرد که تجربه تلخ بعد از حمله موشکی آمریکا به هواپیمای مسافربری ایرباس ایران‌ایر بر فراز خلیج فارس در پایان جنگ تحمیلی هشت ساله که به کشتار تعداد قابل توجهی از ایرانیان غیرنظامی انجامید تکرار نشود که در نهایت دولت آمریکا از پذیرش مسئولیت حقوقی در قبال آن رخداد و فاجعه خودداری کرد و همین موضوع هم با خطای فاحش ایران در توافق پشت درهای بسته با آمریکا و مختومه کردن دعوای خود علیه این دولت در دیوان بین المللی دادگستری که آغاز کرده بود و آن هم تنها در قبال دریافت اندکی غرامت مالی تثبیت شد. اکنون وقت آن است با عبرت‌گیری از آن ناکامی در جنگ روایتی و حقوقی، مسیر حقیقت‌یابی را تا ثبت جنایت پیشه بودن آمریکا دنبال کرد و یقه جنایتکار را رها نکرد.

دوم آغاز دادخواهی و عدالت خواهی بین‌المللی با پذیرش موردی صلاحیت «دیوان کیفری بین‌المللی» مستقر در لاهه هلند که بر اساس اساسنامه خود صلاحیت رسیدگی به جنایات جنگی - از جمله هدایت عامدانه حملات علیه اماکن غیرنظامی و به خصوص مدارس و مراکز آموزشی و همچنین کشتار غیرنظامیان - که در قلمرو سرزمینی یک دولت عضو و یا دولتی که صلاحیت آن را به صورت موردی پذیرا شود، داراست. دولت ایران عضو این محکمه جهانی نیست، لیکن می تواند با پذیرش صلاحیت آن به صورت موردی و موقت این دادگاه را برای رسیدگی به جنایت مدرسه میناب صالح به رسیدگی کند.

بر اساس موازین حقوقی حاکم بر دیوان کیفری بین‌المللی، چهارچوب صلاحیتی این نهاد قضیه و وضعیت محور است و دولت ایران نمی تواند تنها یک یا چند حادثه خاص از جمله حمله به مدرسه میناب را چهارچوبی برای اعطای صلاحیت به دیوان قرار دهد. در عوض، دولت ایران باید صلاحیت دیوان را نسبت به قضیه و وضعیت مخاصمه مسلحانه بین‌المللی جاری میان ائتلاف امریکا و اسرائیل با ایران به مثابه یک قضیه واحد و کلی مورد پذیرش قرار دهد. این برعهده دادستانی دیوان خواهد بود که در چهارچوب این قضیه پرونده یا پرونده‌های خاصی را در تور تعقیب خود شکار کند. با این حال، دولت ایران بر اساس رویه جاری در دیوان و نظر نویسندگان حقوقی در این حوزه و دکترین شکل گرفته، می تواند صلاحیت دیوان را در فرض پذیرش موردی از حیث زمانی محدود و مقید سازد و صلاحیت دیوان نسبت به قضیه جنگ جاری علیه خود در سرتاسر کشور را محدود به روز آغازین یا چند روز نخست جنگ سازد تا از این رهگذر جنایت حمله به مدرسه میناب و همچنین ترور رهبر شهید را برجسته سازد.

برجسته سازی جنایت حمله به مدرسه میناب که اکنون در کانون توجه جامعه جهانی قرار گرفته و لازم است آن را دنبال کرد تا از حقیقت‌یابی و محکومیت بیانی به عدالت‌خواهی و دادخواهی عملی با هدف پایان بخشیدن به بی‌کیفرمانی جنایتکاران آمریکایی برسد، از آن رو مؤثر خواهد بود که بنابر رویه دادستانی دیوان کیفری بین‌المللی «جرایم علیه کودکان» و به خصوص کشتار ایشان و حمله به مدارس و دانش‌آموزان در اولویت تعقیب دادستانی قرار دارد. اهمیت و جایگاه برجسته جنایات علیه کودکان در هندسه معرفتی نظام عدالت کیفری جهانی تا آن میزان است که چندی پیش نخست وزیر پیشین بریتانیا و نماینده فعلی ویژه ملل متحد در امر آموزش جهانی با اشاره به جنایت میناب و افزایش جرایم علیه کودکان در زمان مخاصمات مسلحانه خواستار تشکیل یک دادگاه بین‌المللی ویژه با مأموریت رسیدگی به جنایات علیه کودکان شده بود به خصوص آنکه در کنار ماهیت مجرمانه این جنایت یعنی نقض حقوق کودکان، تأثیر گسترده جهانی این فاجعه انسانی بر افکار عمومی جهان از دیگر معیارهای اولویت‌دهی به یک پرونده در دیوان کیفری بین‌المللی خواهد بود؛ معیاری که پیش از این از سوی قضات دیوان در قضیه حمله اسرائیل به کشتی‌های امدادرسان به نوار غزه در سال ۲۰۱۰ نیز مورد تأکید قرار گرفته بود، چراکه روا نیست وقتی مجامع بین‌المللی و جامعه جهانی یک جنایت جنگی را محکوم می کنند، دیوان نسبت به تعقیب کیفری آن بی‌تفاوت باشد.

> اهمیت و جایگاه برجسته جنایات علیه کودکان در هندسه معرفتی نظام عدالت کیفری جهانی تا آن میزان است که چندی پیش نخست وزیرپیشین بریتانیا و نماینده فعلی ویژه ملل متحد در امر آموزش جهانی با اشاره به جنایت میناب و افزایش جرایم علیه کودکان در زمان مخاصمات مسلحانه خواستار تشکیل یک دادگاه بین‌المللی ویژه با مأموریت رسیدگی به جنایات علیه کودکان شده بود

دکترین «شلیک نخست»

از سوی دیگر، محدودسازی صلاحیت دیوان به روز یا روزهای آغازین جنگ به برجسته‌سازی ترور رهبر شهید می انجامد که در پرتو آن دولت ایران می تواند قاعده و دکترین «شلیک نخست» را مطرح کند و بر مسند قبول نشاند که بر اساس آن هدف قرار دادن حتی فرماندهان ارشد نظامی در یک جنگ تجاوزکارانه در شلیک و حمله نخست غیرقانونی و نقض حقوق بشر محسوب می‌شود و از این رهگذر و با کنشگری حقوقی به هنجارسازی بین‌المللی در این عرصه کمک کند. این همان قاعده‌ای است که در ترور فرماندهان ارشد نظامی در جنگ ۱۲ روزه و یا در ترور سردار سلیمانی در فرودگاه بغداد نیز می‌توان مستمسکی برای جنایت قلمداد کردن اقدام نظامی آمریکا و اسرائیل از منظر حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق بشردوستانه قلمداد کرد.

افزون بر این، با پذیرش موردی صلاحیت دیوان نسبت به قضیه جنگ ائتلاف امریکا-اسرائیل علیه ایران، هرچند «جنایت تجاوز» به قلمرو سرزمینی و استقلال سیاسی جمهوری اسلامی ایران و نقض آشکار منشور ملل متحد و اصل بنیادین ممنوعیت توسل به زور نظامی در روابط بین الدولی در صلاحیت دیوان نخواهد بود، لیکن بنابر رویه جاری در این محکمه بین‌المللی، پیشینه و زمینه وقوع جنایات جنگی یعنی تجاوز امریکا و اسرائیل به کشور نیز مورد بررسی و ارزیابی دادستان دیوان قرار خواهد گرفت که فرصت طلایی دیگر برای احراز ناروایی و تجاوزکارانه بودن این اقدام و باطل کردن ایده شومی مانند مداخله بشردوستانه در توجیه و سفیدشویی جنایت تجاوز به ایران است.

اکنون دولت ایران و دستگاه سیاست خارجی آن و تمام مسئولان در این حوزه از وزارت امور خارجه و مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری تا تصمیم‌گیران در شوراهای عالی در برابر یک تکلیف و رسالت تاریخی هستند تا به وظایف ذاتی خود در استیفای حقوق نقض شده ملت ایران در جنگ جاری که مورد تأکید رهبر جدید انقلاب نیز در نخستین پیام صادره بعد از انتخابشان قرار گرفته، عمل کنند. امید است این بار این وظیفه مورد توجه و اقدام فوری و به موقع قرار بگیرد تا نقد و گلایه رهبر شهید از کم کاری‌ها در حوزه عدالت خواهی بین‌المللی که بعد از جنگ ۱۲روزه به صراحت از سوی ایشان بیان شده بود جبران شود و دیپلماسی عدالتخواهانه با کنشگری ابتکاری و فعالانه در جنگ حقوقی علیه جنایتکاران و متجاوزان صدای قربانیان ایرانی در جهان را طنین‌انداز کند و در استیفای حقوق ایشان گام عملی و مؤثر بردارد و اجازه ندهد جنگ رمضان نیز در دادخواهی حقوقی به سرنوشت جنگ هشت ساله و جنگ ۱۲ روزه دچار شود.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده

نوبت دوم

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۸

تعاونی مسکن کارکنان ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (ثبت ۱۰۷۳۸۵) بدین‌وسیله از اعضای محترم شرکت تعاونی مسکن دعوت به‌عمل می‌آید تا در مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده نوبت دوم این تعاونی که رأس ساعت ۱۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۱/۲۲ که در محل ساختمان نصر ۵ واقع در تهران، شهرک غرب، خیابان سیمای ایران، طبقه اول، بلوک B، سالن شماره سه برگزار می‌گردد، حضور بهم رسانید. لذا اعضایی که نمی‌توانند در مجمع فوق حضور بهم رسانند تا ۲۴ ساعت قبل از برگزاری مجمع فرصت دارند تا جهت اعطای وکالت به همراه وکیل خود و کارت شناسایی در ساعات اداری به دفتر تعاونی مراجعه و پس از احراز هویت و تأیید وکالتنامه‌ها برگه ورود به مجمع را دریافت نمایند. هر عضو و هر شخص غیر عضو وکالت یک عضو را می‌تواند بپذیرد. تأیید وکالت‌نامه‌های مذکور با امضای آقای دکتر فضل هاشمی مدیرعامل و عضو هیأت‌مدیره و مهر تعاونی معتبر خواهد بود.

دستور جلسه:

۱- گزارش کتبی هیأت مدیره و بازرس

۲- طرح و تصویب صورت‌های مالی سال ۱۴۰۰ الی ۱۴۰۳ و تصویب بودجه پیشنهادی سال ۱۴۰۴

۳- انتخاب بازرس

هیأت مدیره